

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در ترویج حق بر آموزش در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی

عبدالسعيد شجاعی^۱

احسان موحدی‌پور^۲

چکیده

حق بر آموزش یکی از مهم‌ترین حق‌های بشر است که در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی شناسایی شده است. به منظور ترویج، توسعه و تقویت این حق بنیادین، علاوه بر دولت‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) به عنوان یکی از ارکان جامعه مدنی نیز امکان ترویج و توسعه این حق را دارند. بدین منظور سازوکارهای متعددی در هنجارهای بین‌المللی و ملی هر کشوری پیش‌بینی شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دیگر اسناد فرادستی مانند: سیاست‌های کلی نظام، قوانین و مقررات آموزش پرورش نسبت به تقویت و توسعه آموزش توسط سازمان‌های مردم‌نهاد به صورت صریح و ضمنی اشاراتی شده است. در این پژوهش بر آن هستیم تا با تکیه بر قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، مفهوم حق بر آموزش و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد را در توسعه این حق بنیادین مورد بررسی قرار دهیم. دست‌آورد اصلی این پژوهش که به صورت کتاب‌خانه‌ای و با روش تحلیلی - توصیفی قوانین مذکور صورت گرفته، دلالت بر این موضوع دارد که در قوانین داخلی به ضرورت، اهمیت و کارکرد «سمن‌ها» در تقویت آموزش به صورت جامع و تفضیلی پرداخته نشده است و در عرصه‌ی بین‌المللی نیز یونسکو به عنوان سازمان علمی و آموزشی سازمان ملل متحد در قالب «آموزش رکن توسعه پایدار» راهکارهایی ارائه کرده است که با توجه به اهمیت بحث آموزش در سطح دنیا و وجود فرهنگ‌های خاص هر کشور کافی به نظر نمی‌رسد.

واژگان کلیدی: سازمان‌های مردم‌نهاد، حق بر آموزش، یونسکو، آموزش و پرورش.

۱. عبدالسعيد شجاعی، استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران Dr.saeedshojaei62@pnu.ac.ir

۲. پژوهشگر دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران
ehsanmovahedi1986@gmail.com

مقدمه

حق بر آموزش از بنیادی‌ترین حقوق بشر و جز حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، که در اسناد بین‌المللی، هم در سطح جهانی و هم در سطح منطقه‌ای و ملی پیش‌بینی شده است. این حق برای تحقق دیگر حق‌های بشری^۱ لازم و ضروری است. هر فردی صرف‌نظر از نژاد، جنس، ملیت، منشأ قومی یا اجتماعی، مذهب یا عقیده سیاسی، سن یا معلولیت، حق دارد از آموزش ابتدایی رایگان برخوردار شود. این حق به مردم کمک می‌کند با کرامت و حیثیت انسانی زندگی کنند. اهمیت و ضرورت آموزش نه تنها به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف دیگر، مهم است، بلکه به‌خودی‌خود، دارای ارزش والایی برای جوامع انسانی است.

این حق بنیادین، یک ابزار عملکردی مهم برای ادغام و ایجاد شمول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مردم است؛ به‌ویژه کسانی که از جریان اصلی جامعه حذف شده‌اند (Kansra, R., Kansra, P., 2014: 264). آموزش به‌خودی‌خود حقی توانمند و یکی از قدرتمندترین ابزارهایی است که به‌وسیله آن کودکان و بزرگسالان در حاشیه از نظر اقتصادی و اجتماعی می‌توانند خود را از فقر نجات دهند و در جامعه مشارکت کامل داشته باشند.^۱ سازمان‌های مردم‌نهاد «سمن» به‌منظور رشد جامعه مدنی و پدیده دولت - ملت مدرن، در چارچوب مسائل اجتماعی، فرهنگی، صنفی و آموزشی در سده‌های اخیر شکل گرفت. مهم‌ترین هدف این نهادها، کنترل قدرت دولت، افزایش ظرفیت نظام اجتماعی از طریق ایجاد شرایط مساعد برای بارور شدن توانمندی‌های بالقوه است. به دیگر سخن، اهمیت، ضرورت و تقویت سمن‌ها در تحقق اهدافی چون کوچک‌سازی دولت، توانمندسازی مردم و افزایش سرمایه اجتماعی، کارآمدسازی نظام اقتصادی و اجتماعی و بهینه‌سازی فرایند برنامه‌ریزی برای توسعه بیشتر است. میزان مشارکت و حضور مردم و نهادهای مدنی در امور جامعه و تصمیم‌گیری‌ها یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به‌شمار می‌رود؛ به نحوی که می‌توان بیان کرد که جامعه مدنی نماینده مردم و بخش خصوصی بوده و به‌عنوان شریک در پیشرفت، توسعه هر کشوری مشارکت فعال و پویا دارد.

در دهه‌های اخیر، نقش سمن‌ها در ارتقای ابعاد مختلف زندگی جوامع بشری مورد مطالعه بوده است. به‌منظور افزایش اثربخشی جمعی، سرمایه‌گذاری در ایجاد و تقویت سمن‌های آموزشی اهمیت بیشتری یافته است. می‌یابد. ناگفته پیداست که سازمان‌ها و تشکلهای مردم‌پایه و غیردولتی یکی از مهم‌ترین بازیگران مشارکت عمومی در جامعه هستند. در عرصه ملی، دولت‌ها و در صحنه بین‌المللی، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) به‌عنوان یک سازمان تخصصی، که با هدف کمک به «ایجاد صلح، ریشه‌کن کردن فقر، توسعه پایدار و گفتگوی بین فرهنگی از طریق آموزش، علوم، فرهنگ، ارتباطات و اطلاعات» به‌وجود آمده، متولی حق بر آموزش است.

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: <https://en.unesco.org/themes/right-to-education/action>

آموزش، یکی از ملزومات کارکردی در یک جامعه مدنی پویاست. در این راستا، سازمان‌های مردم‌نهاد داخلی، در کنار نهادهایی که رسماً به این کار اشتغال دارند، می‌توانند در مقیاس‌های کوچک‌تر به آموزش گروه‌هایی از جامعه بپردازند که فرصتی برای بهره‌مندی از آموزش‌های رسمی جامعه ندارند یا نوع آموزش به‌گونه‌ای است که نهادهای رسمی آن را تأمین نمی‌کنند. در این پژوهش که به روش تحلیلی و توصیفی در سه بخش تنظیم شده است، بر آن هستیم با بررسی هنجارهای داخلی و بین‌المللی شامل: قانون اساسی، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و غیره، مفهوم حق بر آموزش و سازمان‌های مردم‌نهاد «سمن‌ها» را مورد بحث و بررسی، سپس وضعیت اسناد داخلی و بین‌المللی را از حیث شناسایی کارکرد و نقش سازمان‌های مذکور در ترویج و توسعه آموزش را مورد بررسی قرار داده و هدف از این پژوهش یافتن پاسخی برای این پرسش است که اسناد ملی و بین‌المللی در مورد حق بر آموزش و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در تقویت و توسعه این حق بنیادین، قاعده یا مقررهای پیش‌بینی و شناسایی کرده‌اند و چه راهکارها و ضعف‌هایی در این مورد وجود دارد. فرضیه اصلی پژوهش این است که نقش سمن‌ها در تقویت و توسعه آموزش به‌صورت تام در حقوق داخلی پررنگ نبوده و در صحنه بین‌الملل فارغ از تصریح اسناد بین‌المللی بر تقویت آموزش در کشورها، به نقش سمن‌ها اشاره ضعیفی داشته و اینکه وضعیت خاص فرهنگی هر کشور را در اسناد مهم آموزشی بین‌المللی لحاظ نکرده‌اند. تاکنون پژوهش مستقلی در قالب مقاله درباره اهمیت و نقش سمن‌ها در توسعه و تقویت حق بر آموزش انجام نشده است.

۱. حق بر آموزش

از آنجا که یکی از مفاهیم اصلی این نوشتار حق بر آموزش^۱ است، لازم است در ابتدا، معنای این حق و جایگاه آن در میان سایر حقوق انسان‌ها، وضعیت آن در اسناد حقوقی داخلی و بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد. امروزه آموزش به عنوان زیربنای سازنده فهم و درک انسان و محرک اصلی تکامل و پیشرفت جامعه از چنان اهمیتی برخوردار شده که رسیدن به آن یا حداقل فراهم بودن امکانات لازم و عدم مانع خارجی برای رسیدن به آن ازجمله حقوق بنیادین انسان‌ها تلقی شده؛ به نحوی که آرمان دوم از اهداف توسعه هزاره سوم^۲ در سال ۲۰۰۰ در سازمان ملل متحد، دست یافتن به آموزش ابتدایی همگانی است. صرف زندگی معمولی در جهان امروز مهارت‌هایی را نیاز دارد که انتقال آنها به فرزندان از توانایی خانواده خارج است. بدین علت ضرورت تأکید بر این حق اهمیت می‌یابد (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸: ۳۰۵). حق بر

۱. Right to education.

۲. Millennium Development Goals.

آموزش شامل فراگیری معلومات از طریق آموزش و پرورش ابتدایی، عمومی و تخصص‌های عملی از طریق آموزش کاربردی، نظیر آموزش فنی و حرفه‌ای است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۵۰۱). اهمیت این حق در تغییر جامعه جهانی و روابط بین انسان‌ها در قرن ۲۱ میلادی، به‌وضوح به چشم می‌خورد. امروزه خانواده به‌تنهایی قادر نیست تمام آموزش‌های لازم را به فرزندان خود منتقل کند؛ زیرا دولت موظف است تا آنجا که امکانش فراهم است امکانات آموزشی را با هزینه نازل و در مقیاس گسترده در جامعه توزیع و از نابرابری آموزشی در سطح جامعه بکاهد (ویژه، ۱۳۹۸: ۱۵۴).

حق بر آموزش به‌عنوان سازنده زیربنای فهم و درک انسانی (شعور - خرد) و مجرای تعیین دیگر حقوق معنوی ازجمله آزادی اندیشه، بیان و آزادی مذهب، و نیز تضمین‌کننده حق بر آزادی وجدان از منزلتی بسیار رفیع در میان سایر حقوق انسان برخوردار است. عده‌ای معتقدند افراد محبوس و زندانی را نیز باید آموزش داد؛ زیرا مطابق قانون اساسی، همهٔ آحاد ملت بدون تبعیض می‌بایست از حق بر آموزش برخوردار باشند و هدف نهایی حکم حبس برای تأدیب و قانونمند کردن افراد خطاکار است و این هدف با وجود آموزش تحقق بیشتری می‌یابد (Cristaldo, others, 2022: 254-259). ضرورت بنیادی حق بر آموزش در آن است که انسان باید از حق‌های خود آگاه باشد و آنها را مطالبه کند. به دیگر سخن، شأن انسانی، خود اقتضا دارد که هر کس بدو از وجود این «شأن» و حق‌هایی که از آن ناشی می‌شود آگاهی یابد. به همین مایه، حق بر آموزش مقام و منزلتی ویژه دارد (نیاورانی، ۱۳۹۱: ۲). ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ ۱۹۴۸ سازمان ملل متحد که اولین سند جهانی حقوق بشری است که در خصوص مفهوم حق آموزش به بیان ویژگی‌های آن ازجمله: همگانی، رایگان، در دسترس و عمومی بودن پرداخته است. برای حصول اطمینان از احراز حق بر آموزش افراد، مجموعه‌ای از شرایط لازم (مانند مدارس ابتدایی رایگان) بایستی رعایت شود. برخورداری افراد از حق بر آموزش نباید مانع و مزاحم برخورداری دیگران از آن حق باشد، و همچنین، بهره‌مندی از حق بر آموزش افراد نباید دستخوش مداخله دیگران قرار گیرد (Lindahl, R., 2006: 5). اگرچه اعلامیه جهانی حقوق بشر غیرالزام‌آور و فاقد ضمانت اجرا است، اما هم‌اکنون پای‌بندی و پذیرش حقوق عرفی بین‌الملل تا حدودی قواعد آن را الزام‌آور ساخته است.

۱. «۱. آموزش و پرورش حق همگان است. آموزش و پرورش می‌بایست، دست‌کم در دروه‌های ابتدایی و پایه، رایگان در اختیار همگان قرار گیرد. آموزش ابتدایی می‌بایست اجباری باشد. آموزش فنی و حرفه‌ای نیز می‌بایست قابل دسترس برای همهٔ مردم بوده و دستیابی به آموزش عالی به شکلی برابر برای تمامی افراد و بر پایه شایستگی‌های فردی صورت پذیرد. ۲. آموزش و پرورش می‌بایست در جهت رشد همه‌جانبه شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید به گسترش حسن تفاهم، دگرپذیری [تسامح] و دوستی میان تمامی ملت‌ها و گروه‌های نژادی یا دینی و نیز به برنامه‌های «ملل متحد» در راه حفظ صلح یاری رساند. ۳. پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش برای فرزندان خود برتری دارند».

از نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آزادی آموزش و پرورش به عنوان پیش‌فرضی که قابل قبول است، مورد توجه است. در این قانون توجه خاصی به اصل آموزش و پرورش معطوف شده و بر تأمین و همگانی و رایگان بودن آن نه در سطح ابتدایی که تا سطح متوسطه نیز تأکید شده است. لذا یکی از وظایف اساسی دولت با توجه به بند (سه) اصل سوم قانون اساسی، این قرار گرفته که آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان را برای همه در تمام سطوح مهیا سازد و آموزش عالی را تسهیل و تعمیم نماید. درواقع هدف تدوین‌کنندگان قانون اساسی این بوده است که بی‌سوادى از کشور رخت بر بسته و به موازات آن سطح آگاهی‌های عموم مردم نیز به طور قابل ملاحظه‌ای بالا برود (توحیدی، ۱۳۸۵: ۱۵۶). اصل ۳۰ قانون اساسی نیز به‌صراحت اعلام داشته که: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد». بند (یک) از اصل چهل‌وسوم نیز آموزش و پرورش را جزء نیازهای اساسی بشر دانسته و یکی از نتایج پایداری اقتصاد در کشور را تأمین مناسب آموزش و پرورش برای همگان معرفی کرده است. به‌کارگیری عبارت «برای همه» در بند (سه) اصل ۳ و «برای همه ملت» در اصل ۳۰، نشان‌گر عنایت قانون اساسی به تعمیم آموزش و پرورش به کلیه اتباع کشور، و امکان برخورداری بدون تبعیض تمام اتباع کشور برحسب استعداد و آمادگی خود از ظرفیت آموزش و پرورش در تمام سطوح است. عضویت دولت ایران در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش یونسکو نیز به‌طور طبیعی التزام به این امر را برای دولت همراه دارد (مهرپور، ۱۳۸۷: ۷۳). بر مبنای این استدلال برخی حقوق‌دانان بیان داشته‌اند که هیچ محدودیت قانونی برای آموزش و پرورش از نظر سن، جنس و مرام و مسلک یا عقیده دینی و مذهبی وجود ندارد (هاشمی، ۱۳۸۲: ۲۸۰). از ملاحظه بندها و اصولی که در قانون اساسی درباره آموزش و پرورش بیان شده، نکاتی چند قابل استخراج است که دولت باید به آنها توجه نماید:

نخست. افزون بر اینکه وسایل و محیط آموزشی رایگان باید توسط دولت مهیا شود، شرایط باید به نحوی باشد که هیچ‌کس از هیچ‌قشری به دلیل فقر و نداری از نعمت دانش‌اندوزی بی‌بهره نماند (شعبانی، ۱۳۸۶: ۸۶). دولت باید برای حمایت از اقشار ضعیفی که توان پرداخت هزینه‌های مدارس خصوصی را ندارند، امکان تحصیل رایگان را فراهم آورد (قاضی، ۱۳۹۵: ۱۵۰). از سوی دیگر، این فضاهای آموزشی باید دارای شرایط صحیح ایمنی، بهداشتی و استانداردهای پذیرفته‌شده باشند.

دوم. مربیان و معلمان که با این مراکز مرتبطند باید از حد‌اعلای صلاحیت‌های علمی، اخلاقی و دیگر استانداردها برخوردار باشند. محتوای آموزشی باید با اهداف عالیه‌ی اسلامی و قانون اساسی کاملاً منطبق باشد.

سوم. دولت موظف است فضای آموزشی لازم و سایر امکانات، نظیر استاد، آزمایشگاه، منابع تحقیقات

را برای سطوح آموزش عالی فراهم نماید تا هر کس که مستعد برای حضور در مقاطع بالاتر و تحصیل مراتب علمی ویژه است بتواند به این مرتبه دست یابد (شعبانی، ۱۳۸۶: ۸۶-۸۷). دولت نیز از دانش این فرد در راستای خودکفایی کشور استفاده نماید.

از دلایلی که قانون، آموزش عالی را همچون ابتدایی اجباری اعلام نکرده این است که با فراگیری رشته‌های دانشگاهی، افراد قادر به تصدی مشاغل پیچیده و تخصصی خواهند بود. لذا به این علت که نمی‌توان آموزش عالی را، همانند آموزش ابتدایی تا متوسطه، یک نیاز عام و فراگیر دانست، اجباری کردن آن نیز ضرورتی نداشته است (هاشمی، ۱۳۸۲: ۲۸۱). اشاره کلی قانون اساسی به آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی در مواد مختلف نیز قطعاً حق بر آموزش و پرورش را در بر می‌گیرد. از دیگر الزامات دولت ایران به رعایت حق آموزش و پرورش، عضویتش در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش یونسکو است که به‌طور طبیعی التزام به این امر را برای دولت به‌همراه دارد. ازجمله وظایف اساسی دولت طبق بند (دو) اصل ۳ قانون اساسی، عبارت است از «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر»، و طبق بند چهار همان اصل: «تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی و فنی و فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان». البته این مهم در صورتی محقق خواهد شد که نظام آموزشی از شیوه کاملاً یکنواخت بیان امور علمی صرف و تفکرات محض فلسفی عبور کرده و تئوری‌های خود را در میدان عمل به واقعیات نزدیک‌تر نماید.

حق آموزش در مدارس برای تأمین اصل برابری واقعی میان شهروندان است، چون همه امکان پرداخت شهریه برای آموزش و پرورش و مدارس خصوصی را ندارند. بنابراین حق آموزش در مدارس عمومی و رایگان است. بند ۲۲ از ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۶ نیز این موضوع تبیین شده است: «تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه» و از آنجایی که آموزش و پرورش هزینه سنگینی دارد برای رفع این نقصان با تصویب قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی مصوب ۱۳۶۷ متوسل به جلب مشارکت عمومی و همیاری مردم شده است (عباسی، ۱۳۹۷: ۷۷). دولت بر مبنای اصل ۱۳۴ قانون اساسی و در راستای اجرای اصول ۱۲۱، ۱۱۳ و به‌منظور نظارت بر حسن اجرای حقوق شهروندی اقدام به تهیه و انتشار منشور حقوق شهروندی نموده است. هرچند وضعیت «منشور حقوق شهروندی» در سلسله‌مراتب نظام حقوقی کشور کاملاً مشخص نیست ولی به‌نظر می‌رسد که می‌توان آن را آیین‌نامه‌ای دانست که ضمن تعیین جهت‌گیری کلی دستگاه‌های اجرایی و اداری، سازوکاری برای نظارت بر اجرای آن طراحی نموده است. در چنین شرایطی، اجرای منشور حداقل برای دستگاه‌های قوه مجریه الزامی به‌شمار می‌آید، ماده ۱۰۴ منشور حقوق شهروندی ایران بر حق آموزش

رایگان، اجباری و قابل دسترسی و سایر ویژگی‌های آن تأکید کرده است.^۱ در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ که مشهور به نسل دوم حقوق بشر و حقوق مثبت انسانی است، دو ماده به حق آموزش و پرورش اختصاص داده است. مجلس شورای ملی ایران در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ این سند بین‌المللی مهم را تصویب و مورد پذیرش قرار داده که در حکم قانون عادی لازم‌الاجراست. در مواد ۱۳ و ۱۴ به صورت تفصیلی‌تر نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به اجباری بودن، رایگان بودن، در دسترس بودن آموزش و با هدف رشد و نمو شخصیت انسانی و تساهل، تفاهم و صلح بین کلیه گروه‌های نژادی و قومی و مذهبی تأکید کرده است.^۲

کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مصوب ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ که در تاریخ ۱۳۵۵/۳/۲۵ به تصویب مجلسین وقت ایران (سنا و ملی) نیز رسیده است، در مورد تحصیلات ابتدایی پناهندگان و تحصیلات غیرابتدایی آنان نیز در ماده ۲۲ مقرر کرده که دول متعاقد نسبت به پناهندگان مانند اتباع خود رفتار کرده و در مورد تحصیلات غیرابتدایی و حق اشتغال به تحصیل پناهندگان رفتاری معمول و مساعدت‌گونه داشته باشند. در قانون الحاق ایران به کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و پروتکل آن مصوب ۱۳۵۵/۰۳/۲۵، دولت ایران، مشروطاً تمام مواردی که به موجب این کنوانسیون پناهندگان مشمول مساعدترین رفتار معمول نسبت به اتباع یک دولت خارجی شده باشند، این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که پناهندگان را از مساعدترین رفتار معمول نسبت به اتباع دولی که با آنان موافقت‌نامه‌های ناحیه‌ای و اقامت و گمرکی و اقتصادی و سیاسی دارد بهره‌مند نسازد. کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش و پرورش^۳ در یازدهمین اجلاس عمومی یونسکو در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ به تصویب اعضا رسید که شامل ۱۹ بند در دبیرخانه سازمان ملل متحد نیز به ثبت رسیده است. این کنوانسیون در سال ۱۳۴۶ به

۱. «شهروندان از حق آموزش برخوردارند. آموزش ابتدایی اجباری و رایگان است. دولت زمینه دسترسی به آموزش رایگان تا پایان دوره متوسطه را فراهم می‌سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد نیاز و ضرورت کشور به طور رایگان گسترش می‌دهد. دولت آموزش پایه را برای افراد فاقد آموزش ابتدایی فراهم می‌آورد».

۲. ۱. کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند... ۲. کشورها طرف این میثاق اذعان دارند که به منظور استیفای این حق: الف) آموزش و پرورش ابتدایی باید اجباری باشد و رایگان در دسترس عموم قرار گیرد. ب) آموزش و پرورش متوسطه به اشکال مختلف آن از جمله آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای متوسطه باید تعمیم یابد و به کلیه وسایل مقتضی به‌ویژه به‌وسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی در دسترس عموم قرار گیرد. ج) آموزش و پرورش عالی باید به کلیه وسایل مقتضی به‌ویژه به‌وسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی به تساوی کامل براساس استعداد هر کس در دسترس عموم قرار گیرد. د) آموزش و پرورش پایه (اساسی) باید حتی‌الامکان برای کسانی که فاقد آموزش و پرورش ابتدایی بوده یا آن را تکمیل نکرده باشند تشویق و تشدید بشود.

۳. Convention against Discrimination in Education.

تصویب مجلس سنای ایران رسید. به موجب این کنوانسیون، هر شکل از تبعیض در آموزش و پرورش ممنوع اعلام و همچنین بر آموزش ابتدایی رایگان و اجباری، در دسترس بودن آموزش متوسط، تساوی آموزش عالی بر مبنای استعداد، برابری امکانات و رفتار با همه در زمینه آموزش و پرورش تأکید شده است. در متن این کنوانسیون ذکر شده که منظور از واژه تبعیض، هرگونه تمایز و تفاوت‌گذاری، محروم‌سازی، ایجاد محدودیت، یا رجحان قائل شدن براساس نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگری است. همچنین به موجب بند (الف) ماده ۳ کنوانسیون، کشورهای عضو، ملزم به لغو آن دسته از قوانین و دستورالعمل‌هایی شدند که منجر به ایجاد هرگونه تبعیض در روند آموزش و پرورش می‌شد. همان‌گونه که از عنوان این سند بین‌المللی پیداست، محوریت این سند بین‌المللی بر برابری و عدم تبعیض نسبت به مسائل آموزش و پرورش است و از این حیث مبارزه با تبعیض و تفکیک نژادی در آموزش و پرورش جز دغدغه‌های تصویب‌کنندگان بوده است. کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان یا کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان یک معاهده بین‌المللی است که در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و در ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ (سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق) به اجرا درآمد. وفق مصوبه چهارصدوسیزدهمین جلسه مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۱۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی و پیرو مصوبه جلسه ۳۹۵ شورای عالی درباره تعیین هیئتی برای بررسی الحاق یا عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، نامه مورخ ۱۳۷۶/۷/۲۱ دبیر آن هیئت مطرح شد و شورای عالی با الحاق جمهوری اسلامی ایران به آن کنوانسیون مخالفت کرد. با وجود این به عنوان یک سند بین‌المللی برای بازیگران غیردولتی عرصه بین‌الملل معتبر بوده و در آن به تساوی آموزشی و کاهش فاصله آموزشی بین زنان و مردان تأکید شده است.

۲. سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)

سازمان‌های غیردولتی در پاسخ به نیازها، منافع افراد جامعه و حیات بشر به وجود آمده و سهم عمده‌ای در شکل‌دهی ادراکات عمومی، خلق ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و مطرح کردن بسیاری از مسائل منافع عمومی^۱ در کانون توجه جامعه دارند. سازمان‌هایی که به‌عنوان نماینده خواسته‌های مردم و باتوجه به اهداف این سازمان‌ها، داشتن ماهیت خصوصی و هدف غیرتجاری ویژگی مشترک آنهاست (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۵). به سخن دیگر، مهم‌ترین ویژگی این نوع سازمان‌ها، غیرتجاری بودن، غیرحاکمیتی بودن و عام‌المنفعه بودن آنهاست. سازمان‌های مردم‌نهاد یا سازمان‌های غیردولتی^۲ که به اختصار «سمن» نیز

۱. Public interest issues.

۲. NGO (Non Governmental Organization).

نامیده می‌شوند، به شخصیت‌های حقوقی، غیرانتفاعی و غیرتجاری می‌گویند که توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی و بدون شرکت یا نمایندگی دولت برای تحقق اهداف خیرخواهانه بشردوستانه و غیرمجرمانه به وجود آمده باشد (غمامی، ۱۳۹۰: ۳۳۶). این سازمان‌ها به‌صورت گروهی و داوطلبانه از افراد یا سازمان‌هایی که معمولاً به هیچ دولتی وابسته نیستند و برای ارائه خدمات یا حمایت از یک سیاست عمومی تشکیل می‌شوند. موضوعاتی که توسط سازمان‌های غیردولتی مورد توجه قرار می‌گیرد، طیف وسیعی از نگرانی‌های انسانی را شامل می‌شود (مانند حقوق بشر، حفاظت از محیط‌زیست، امدادرسانی به بلایا، و کمک‌های توسعه)، و دامنه فعالیت‌های آنها ممکن است محلی، ملی یا بین‌المللی باشد (encyclopedia britannica, nongovernmental organization).

تعریف شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل از این نهاد عبارت است از: «هر سازمانی که بر اساس نهادهای دولتی یا موافقت‌نامه‌های بین دولت‌ها شکل گرفته باشد از دیدگاه تنظیم‌کنندگان این قطع‌نامه غیردولتی محسوب می‌شود» (غمامی، ۱۳۹۰: ۳۳۶). بانک جهانی نیز تعریف نسبتاً شفاف‌تری از سازمان‌های غیردولتی ارائه کرده و سازمان غیردولتی را «سازمان‌های خصوصی برمی‌شمارد که فعالیت‌های خود را در حوزه‌های کاهش امراض، ارتقای منافع و مصالح فقرا، حفظ محیط‌زیست، ارائه خدمات اجتماعی اساسی و یا توسعه اجتماعی، برنامه‌ریزی و اجرا می‌کند» (مقیم، ۱۳۸۷: ۱۵). با توجه به موضوعات و کارکردهای گوناگون سازمان‌های غیردولتی، دارای اسامی و عناوین متنوع هستند و معمولاً از واژگانی همچون جمعیت، انجمن، کانون، مرکز، گروه، مجمع، مؤسسه، اتحادیه و مانند آن تشکیل می‌شود. سازمان‌های مردم‌نهاد اساساً در روزگار باستان نیز فعال بوده‌اند؛ به‌ویژه در حرف و مشاغل، انجمن‌های صنفی با همه ویژگی‌هایی که امروزه در تعبیر سازمان مردم‌نهاد بیان می‌شود فعالیت داشتند (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۸: ۵۲). ماده ۷۱ منشور ملل متحد (۱۹۴۵) سانفرانسیسکو نخستین بار واژه «سازمان‌های غیردولتی» را تحت مقرر ذیل به‌کار برده است: «شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند برای مشاوره با سازمان‌های غیردولتی که به امور در حیطه صلاحیت شورا اشتغال دارند هرگونه تدابیر مناسب اتخاذ نماید». در مورد تقسیم‌بندی و انواع سازمان‌های غیردولتی می‌توان به تقسیم‌بندی شایع و معروفی اشاره کرد که سازمان‌های غیردولتی (مردم‌نهاد) را به سازمان‌های ملی و بین‌المللی تقسیم‌بندی کرده است.

فعالیت سازمان‌های غیردولتی ملی در چارچوب مرزهای کشور محل تأسیس محصور است. در مقابل، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی شامل سازمان‌هایی می‌باشد که فعالیت آنها، حالت فرامرزی به خود گرفته و به همین دلیل از کشورهای مختلف، عضوگیری می‌کنند (قاسمی، تسخیری، ۱۳۹۶: ۲۱۷). سازمان‌های مردم‌نهاد یک پدیده اجتماعی محسوب می‌شوند و به نوعی بستر تأثیرگذاری آحاد جامعه را طی جریان‌ها و فرایندهای تخصصی فراهم می‌نماید، لذا می‌توان گفت که مشارکت در این سازمان‌ها سبب تشویق افراد جهت انجام خدمت به یکدیگر و احساس تعهد نسبت به یکدیگر می‌باشد. این سازمان‌ها معمولاً با همه افرادی که تلاش بی‌قید و شرط و خالصانه، بدون چشم‌داشت را سرلوحه عمل خویش قرار

داده و هرچند سازمان‌های مردم‌نهاد بدون حمایت دولت‌ها در جامعه شکل می‌گیرند، اما دارای تعاملات و ارتباطات دوجانبه با دولت‌ها می‌باشند. به عبارت دیگر، هدف از تأسیس سمن‌ها، سوداگری و کسب منافع مالی و سود نیست، بلکه اهداف ذاتی و اولیه این سازمان‌ها غیرانتفاعی است و همین ویژگی فصل‌میز آنها از شرکت‌های تجاری است.

جایگاه و مبنای حقوقی و قانونی سمن‌ها را می‌توان در بند هشتم از اصل سوم^۱ و اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یافت. قانون‌گذار اساسی با به‌کارگیری واژگانی همچون جمعیت‌ها، انجمن‌ها، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت، با تأسی از ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) «هر انسانی محق به آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن‌های مسالمت‌آمیز است. هیچ‌کس نمی‌بایست مجبور به شرکت در هیچ انجمنی شود»، فعالیت سمن‌ها را شناسایی کرده است. در قوانین و مقررات عادی دولت جمهوری اسلامی ایران، قانون اولیه حاکم بر سازمان‌های مردم‌نهاد، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است که در بند (و) ماده ۹۸ «تدوین طرح جامع مشارکت و نظارت مردم، سازمان‌ها، نهادهای غیردولتی و شوراهای اسلامی در توسعه پایدار کشور و فراهم کردن امکان گسترش کمی و کیفی نهادهای مدنی، با اعمال سیاست‌های تشویقی»، بند (ی) ماده ۱۱۹ «تهیه سازوکارهای لازم جهت تقویت نهادهای مدنی و احزاب در کشور» این مفهوم حقوقی را شناسایی و معرفی کرده است. در ماده ۱۶۱ قانون برنامه چهارم توسعه، که آخرین اراده قانون‌گذار در خصوص سمن‌ها محسوب می‌شود، کلیه قوانین مغایر با خود را ملغاً اعلام کرده است. در این دو مقرر به صراحت به سمن‌ها اشاره کرده و دولت را به تهیه طرح جامع و سازوکارهای لازم در باب مشارکت مردمی مکلف نموده است. در همین زمینه، در راستای اصل ۱۳۸ قانون اساسی و عمل به تکلیف مواد قانونی برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳، آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در تاریخ هشتم مرداد ۱۳۸۴ به تصویب هیئت‌وزیران رسید. آیین‌نامه تشکیل‌های مردم‌نهاد در تاریخ ۱۳۹۵/۰۶/۰۶ و در راستای اصل ۱۳۸ قانون اساسی به تصویب هیئت‌وزیران رسید. بر اساس تبصره ۳ ماده ۲ آیین‌نامه اخیر بدون اینکه تعریفی از سمن‌ها ارائه دهد به ذکر مصادیق آن پرداخته است.^۳ طبق این مقرر، نهادهایی

۱. «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش».
۲. «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت».
۳. «نهادهای عمومی غیردولتی، اتاق‌ها و تشکلهای اقتصادی، تعاونی‌ها، سازمان‌های صنفی و حرفه‌ای، احزاب و تشکلهای سیاسی، کانون‌ها و سازمان‌های دانشجویی و دانش‌آموزی، سازمان‌های کارگری و کارفرمایی فعال در دانشگاه‌ها، مدارس و کارخانجات، انجمن‌های علمی، هنری و ادبی، هیئت‌ها و سازمان‌های مذهبی، باشگاه‌های ورزشی، کمپ‌های ترک اعتیاد، مؤسسات تجاری و انتفاعی و مؤسسات موضوع بندهای ۱ تا ۱۲ ماده ۲۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۰ - مصداق تشکیل نبوده و از شمول این آیین‌نامه خارج هستند».

که مجوز فعالیت خود را از وزارت کشور دریافت نمی‌کنند، از شمول این قانون خارج خواهند بود. این امر از سردرگمی کنونی موجود در برخورد با مؤسساتی که از سایر وزارتخانه‌ها یا سازمان‌های دولتی مجوز فعالیت گرفته‌اند، و به‌سهو به‌عنوان سازمان غیردولتی شناخته شده‌اند، جلوگیری می‌کند. طبق ماده ۲۹ آیین‌نامه، تشکلهای پس از دریافت پروانه فعالیت و ثبت آن، از امتیازها و حقوقی مانند: مشاوره و اظهارنظر، نظارت بر عملکرد بخش‌های مختلف جامعه، ارائه خدمات اجتماعی، برگزاری اجتماعات و راهپیمایی، انتشار نشریه و ایجاد پایگاه اینترنتی و دادخواهی در مراجع قضایی برخوردار می‌شوند.

۳. منابع قانونی نقش سمن‌ها در توسعه آموزش

۳-۱. حقوق داخلی

ارتباط سازمان‌های مردم‌نهاد با دولت‌ها و جلب مشارکت هرچه بیشتر مردم در امور مختلف به‌خصوص ترویج و توسعه آموزش و مسائل مرتبط با آن، اجتناب‌ناپذیر، و جزو مسائل پذیرفته‌شده در صحنه بین‌المللی و امور داخلی کشورهاست. این مؤسسات با توجه به ویژگی‌هایی مانند داوطلبانه بودن، سادگی امور و تشکیلات آنها و علاقه‌مندی اعضای آنها، باعث کارآمدی امور هستند و به عبارت بهتر، مکمل بخش دولتی در تأمین اهداف توسعه هستند. هنجارهای حقوقی که در آن به نقش سمن‌ها در ترویج و تقویت آموزش تأکید شده به این شرح است:

الف) سیاست‌های کلی نظام مصوب مقام رهبری در خصوص ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور نیز به جایگاه و نقش مشارکت مردمی و غیردولتی پرداخته است و بیان کرده: «بازمهندسی ساختار اداری در کلیه سطوح با رویکرد چابک‌سازی، پویاسازی همراه با ظرفیت‌سازی، فرهنگ‌سازی و بسترسازی برای تقویت مشارکت‌های مردمی و غیردولتی، منطبق بر قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام اداری و آموزش و پرورش به‌ویژه ایجاد زمینه مشارکت معلمان، خانواده‌ها، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، مراکز علمی و پژوهشی و سایر نهادهای عمومی و دستگاه‌های اجرایی در فرایند تعلیم و تربیت».

ب) سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ که در زمینه‌های مختلف فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است، در خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد بیان داشته:

مدرسه جلوه‌ای است از تحقق مراتب حیات طیبیه، کانون عرضه خدمات و فرصت‌های تعلیم و تربیتی، زمینه‌ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش‌آموزان و تکوین و تعالی پیوسته هویت آنان براساس نظام معیار اسلامی، در چارچوب فلسفه و رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران که دارای ویژگی‌های زیر است: دارای تعامل اثربخش با مساجد و دیگر نهادها، مراکز مذهبی و کانون‌های محلی نظیر فرهنگسرا، کتابخانه‌های عمومی و برخوردار از ارتباط مستمر و مؤثر با عالمان دینی، صاحب‌نظران و متخصصان.

(ج) بند (ج) فصل هفتم سند تحول آموزش و پرورش نیز در این زمینه بیان داشته است: وزارت آموزش و پرورش موظف است با تربیت، به‌کارگیری و ساماندهی نیروهای توانمند و واجد شرایط، تأمین و بسیج امکانات و منابع، تدوین برنامه‌های اجرایی کوتاه‌مدت و میان‌مدت در سطح ملی و استانی، اصلاح قوانین و مقررات و جلب مشارکت و همکاری سایر دستگاه‌ها و نهادها اقدامات لازم برای تحقق مفاد سند را معمول دارد.

(د) ماده ۱۰۶ منشور حقوق شهروندی ایران:

جوامع علمی، حوزوی و دانشگاهی از آزادی و استقلال علمی برخوردارند، استادان، طلاب و دانشجویان در اظهارنظر آزادند و آنها را نمی‌توان به صرف داشتن یا ابراز عقیده در محیط‌های علمی مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد یا از تدریس و تحصیل محروم کرد. اساتید و دانشجویان حق دارند نسبت به تأسیس تشکلهای صنفی، سیاسی، اجتماعی، علمی و غیره و فعالیت در آنها اقدام کنند.

(ه) ماده ۷ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش ۱۳۶۶:

به‌منظور تعمیم و توسعه آموزش و پرورش کشور، زمینه‌های جلب مشارکت مردم در امر آموزش و پرورش از هر طریق ممکن فراهم آید. تبصره - وزارت مکلف است به اشخاص حقیقی و حقوقی که دارای صلاحیت‌های علمی و اخلاقی بوده و متقاضی تأسیس و اداره مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه با هزینه خود و همیاری مردم و اولیا دانش‌آموزان باشند و متعهد شوند که در چهارچوب سیاست‌ها و اهداف جمهوری اسلامی ایران فعالیت نمایند مجوزهای لازم را اعطا کند. حدود صلاحیت علمی و اخلاقی متقاضیان به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.

(و) ماده ۵ اساس‌نامه نهضت سوادآموزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳:

نهضت برای پیشبرد اهداف خویش از امکانات زیر استفاده می‌نماید: الف) استفاده از همه امکانات و نیروهای موجود در جامعه به‌منظور ریشه‌کن کردن بیسوادی با برنامه‌ریزی مناسب به‌خصوص در مناطق محروم روستاها به‌طور ضربتی و از طریق بسیج عمومی مردم و ایجاد امکانات و تسهیلات لازم دیگری که برای تأمین اهداف نهضت ضروری باشد.

(ز) بند (دو) از قسمت (الف) ماده ۲ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب ۱۳۸۳:

تعیین راهکارهای لازم و برنامه‌ریزی و حمایت از ایجاد و گسترش دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی، مراکز تحقیقاتی و فناوری و دیگر مراکز فعالیت‌های علمی - پژوهشی همانند شهرک‌های تحقیقاتی، آزمایشگاه‌های ملی، موزه‌های علوم و فنون با استفاده از منابع دولتی و غیردولتی و مشارکتهای مردمی متناسب با نیازها و ضرورت‌های کشور. بند ۷ از قسمت الف ماده ۲: صدور مجوز تأسیس انجمن‌های علمی و حمایت و ارزیابی مستمر از فعالیت آنها براساس ضوابط مصوب مراجع ذیصلاح. بند ۸ از قسمت الف

ماده ۲: تأیید اساس‌نامه و صدور مجوز تأسیس انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی و ارزیابی فعالیت آنها و اتخاذ تصمیم در مورد امکان ادامه فعالیت آنها براساس ضوابط و مقررات مراجع ذی‌صلاح.

ح) سند راهبردی کشور در امور نخبگان مصوب ۱۳۹۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی: در این سند سعی شده با استفاده از روش «چرخه سیاست‌گذاری» ضمن تعریف مفاهیم مرتبط با «نظام نخبگانی» و «اجتماع نخبگانی»، «چشم‌انداز و اهداف کلان» سند تبیین شود. تمهید شرایط و تنظیم استانداردها، نظام‌نامه‌ها، ضوابط و مقررات برای مشارکت بیشتر بخش غیردولتی در تأسیس و فعالیت مدارس، مراکز آموزشی تخصصی و نهادهای نخبه‌پرور در حوزه‌های مختلف و با روش‌ها و محتوای درسی متنوع و توسعه و تنوع‌بخشی به جشنواره‌ها و رقابت‌ها در زمینه‌ها و سطوح مختلف با مشارکت نهادهای تخصصی - حرفه‌ای، به‌ویژه نهادهای حوزوی و دانشگاهی، توسعه آموزش‌های خاص «برون‌مدرسه‌ای» از طریق گسترش مراکز آموزشی، تربیتی و پژوهشی در حوزه‌های متنوع مورد علاقه دانش‌آموزان، ایجاد فرصت فعالیت برای صاحبان استعدادها برتر و نخبگان در مناطق مختلف با ایجاد سازوکارهای حمایتی در زمینه‌های آموزشی، پژوهشی و مهارتی و نیز حمایت از توسعه فعالیت بنیادهای خیریه علمی، فرهنگی و اجتماعی و نظارت بر آنها.

ط) طبق بند ۱۴ قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۶: صدور اجازه تأسیس و نظارت مستمر بر مدارس وابسته به مردم و دیگر دستگاه‌های اجرایی و «آموزشگاه‌های آزاد» با وزارت آموزش و پرورش است.

ی) قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی مصوب ۱۳۹۵:

ماده ۱- به‌منظور توسعه مشارکت مردم در آموزش و پرورش و حمایت از سرمایه‌گذاری در ایجاد و اداره مدارس و مراکز پرورشی یا آموزشی غیردولتی، «سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی» وابسته به وزارت آموزش و پرورش تأسیس می‌گردد. کلیه نیروها، امکانات و اعتبارات معاونت توسعه مشارکت‌های مردمی وزارت آموزش و پرورش به «سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی» منتقل می‌شود. تبصره ۱ بند پ ماده ۲: تنها مرجع صدور مجوز فعالیت آموزشگاه علمی آزاد و آموزشگاه زبان خارجی، جهت آموزش افراد زیر بیست سال و مراکز آموزش پیش‌دبستانی. ماده ۳۱: به‌منظور حمایت از مؤسسان مدارس غیردولتی با اولویت مناطق محروم وزارت آموزش و پرورش موظف است را به‌صورت مؤسسه عمومی غیردولتی «صندوق حمایت از توسعه مدارس غیردولتی» با مشارکت مؤسسان و بخش غیردولتی ایجاد کند. دولت موظف است هر ساله و تا سقف پنجاه درصد از قیمت تمام‌شده سرانه سالانه دانش‌آموزی در بخش دولتی را به‌ازای کل دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در

مدارس غیردولتی در قالب کمک در لایحه بودجه سالانه کل کشور پیش‌بینی کند. ماده ۳۷ - با حفظ اصل حاکمیت دولت (ماده ۵۸۴) قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و ماده (۳) آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی مصوب ۱۳۳۷ با اصلاحات بعدی آن بر مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی که با ماهیت غیردولتی و مطابق این قانون توسط اشخاص حقوقی تأسیس و اداره می‌شوند قابل تسری است. ک) در سال ۱۳۲۶، «انجمن خانه و مدرسه» در ایران به تقلید از نظام آموزشی فرانسه به‌وجود آمد و بعدها در سال ۱۳۴۶ انجمن خانه و مدرسه به نام «انجمن ملی اولیا و مربیان» تغییر نام پیدا کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با تصویب یک ماده واحده توسط شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ تحت عنوان «لایحه قانونی راجع به شمول قانون استخدام کشوری به کارکنان سازمان ملی پیشاهنگی ایران و انجمن ملی اولیا و مربیان ایران مصوب ۱۳۵۸/۱۲/۱۸» کارکنان انجمن ملی اولیا و مربیان مشمول قانون استخدام کشوری شده و سازمان انجمن اولیا و مربیان به‌طور مستقل و به سرپرستی قائم‌مقام وزیر آموزش و پرورش پایه‌ریزی شد که امروزه عنوان «انجمن اولیا و مربیان» بر خود گرفته است. مهم‌ترین ایراد حاکم بر این نهاد، دولتی بودن آن است که وزرات آموزش و پرورش می‌توانست در قالب یک سازمان مردم‌نهاد یا مؤسسه عمومی غیردولتی به فعالیت‌های آن جان تازه‌ای می‌بخشید. در حال حاضر فعالیت عمده انجمن، حول موضوع کمبودهای مادی و رفاهی مدارس بوده و آنچه مربوط به ارشاد اولیا و آگاه کردن والدین به وظایف تربیتی و آموزشی مرتبط به دانش آموزان باشد، کمتر از این انجمن دیده شده است. شورای عالی اداری در یکصد و چهل و نهمین جلسه مورخ ۱۳۹۰/۱/۲۲ بنا به پیشنهاد مشترک وزارت آموزش و پرورش و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور، «انجمن مرکزی اولیا و مربیان» و «سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی» وابسته به وزارت آموزش و پرورش را با یکدیگر ادغام و عنوان آن را به «سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی و خانواده» تغییر داد.

اساس‌نامه انجمن مرکزی اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۷/۰۳/۱۹ شورای عالی آموزش و پرورش اهداف انجمن را به شرح زیر بیان کرده است: آگاه‌تر ساختن پدران و مادران و مربیان به معارف اسلامی در رابطه با مسائل رشد و پرورش کودکان، نوجوانان و جوانان باتوجه به نیازهای آنان؛ تبیین مسئولیت‌ها و تقویت احساس آن در اولیا و مربیان نسبت به مسائل پرورشی فرزندان؛ جذب امکانات و نیروهای مردمی جهت مشارکت همه‌جانبه آنان در پیشبرد اهداف آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.

اساس‌نامه انجمن، روش‌های نیل به اهداف آموزشی و تربیتی را نیاز به این شرح بیان کرده است: تشکیل مجالس سخنرانی و بحث آزاد جهت طرح مسائل آموزشی و تربیتی؛ برگزاری دوره‌ها و تشکیل کلاس‌های آموزشی با بهره‌گیری از استادان صاحب‌نظر؛ ایجاد امکانات و تأسیس مراکز جهت مشاوره و

راهنمایی اولیه و رسیدگی به مشکلات تحصیلی، تربیتی و خانوادگی دانش‌آموزان؛ ایجاد تسهیلات لازم و امکانات رفاهی مناسب برای دانش‌آموزان در حد امکان از طریق انجمن‌های اولیه و مربیان مدارس.

س) جامعه خیرین مدرسه‌ساز یکی از بزرگ‌ترین تشکلهای مردم‌نهاد در جمهوری اسلامی ایران است که از سال ۱۳۷۷ شمسی با هدف جذب مشارکت خیرین و نیکوکاران برای ساخت و تجهیز فضاهای آموزشی تأسیس شده است. این نهاد مردمی متشکل از خیرین مدرسه‌ساز، در تعامل هدفمند با وزارت آموزش و پرورش و در عرصه شناسایی خیرین و جلب مشارکت آنان برای ساخت و توسعه فضاهای آموزشی کشور فعالیت می‌کند. سه ضلع اصلی فعالیت در این نهاد مردمی عبارتند از: جامعه خیرین مدرسه‌ساز کشور، وزارت آموزش و پرورش، سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور. طبق اساس‌نامه مصوب، این نهاد کاملاً «غیرانتفاعی» و «غیرسیاسی» است و کمک‌های خیرین صددرصد صرف ساخت مدارس جدید، به‌ویژه در مناطق محروم و نیازمند خواهد شد. با مطالعه و مذاقه در هنجارهای داخلی آموزش و پرورش به این نتیجه می‌رسیم که قانون‌گذار اساسی و عادی اهمیت ویژه‌ای برای «آموزش» قائل شده است. با بررسی آیین‌نامه موجود حاکم بر فعالیت سمن‌ها در ایران، با وجود پیشرفت و توسعه در دهه هفتاد شمسی، مشکلات قانونی فراوانی مشاهده می‌شود و در مقایسه با قوانین سایر کشورها، عقب‌ماندگی‌هایی وجود دارد؛ ازجمله: فرایند طولانی و سخت‌گیرانه تأسیس و ثبت؛ نظارت شدید برخی مراجع در بررسی صلاحیت‌ها و اظهارنامه‌ها؛ تداخل قانونی و موازی‌کاری در ثبت سازمان‌های غیردولتی؛ نبود سازوکارهای قوی و مؤثر شفافیت و گزارش‌دهی؛ عدم کارکرد واقعی سمن‌ها به‌عنوان نهادهای مدنی در اقدامات جمعی و تصمیم‌سازی‌ها؛ ضعف ساختاری و حقوقی در مسیر کمک و حمایت سمن‌ها از حقوق بشر و نظارت مؤثر بر دولت؛ عدم امکان فعالیت سازمان‌های غیردولتی خارجی و نبود مکانیزم‌های آسان جهت بهره‌گیری سازمان‌ها از نشریات، رسانه‌ها و تجمعات. چالش مهم و بنیادی دیگر، وجود مقرره‌ای در قالب آیین‌نامه (و نه قانون مصوب مجلس) به‌عنوان مبنای حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد است که همین ماهیت مقرره بودن، چالش‌های مختلفی ایجاد کرده است.

۲-۳. اسناد بین‌المللی

در عصر حاضر آموزش و پرورش همه ادوار زندگی را در بر گرفته و انسان همواره در این دوران با مسائلی مواجه می‌گردد که حل آنها نیازمند آگاهی و شناخت می‌باشد. این آگاهی و شناخت حاصل نمی‌گردد مگر با آموزش. با توجه به اهمیت آموزش و پرورش این موضوع از دید بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در این بخش از پژوهش قصد داریم مطالب مرتبط با این حقوق را مورد بررسی قرار دهیم.

الف) بیانیه و برنامه عملی که بر مبنای اهداف توسعه پایدار با رهبری یونسکو و همکاری ارگان‌های

دیگر سازمان ملل شکل گرفت، به نام آموزش ۲۰۳۰ و در ایران با نام سند ۲۰۳۰ یونسکو آموزش با کیفیت برای همه میسر و مساوی باشد و فرصت‌های یادگیری برای همه در تمام طول عمر فراهم شود. طبق تعریف یونسکو، آموزش برای توسعه پایدار یک رویکرد آموزشی یا یک فرایند یادگیری متصل بر اصول توسعه پایدار است که با تمامی سطوح و انواع یادگیری مرتبط است و قصد دارد آموزش با کیفیتی را به منظور دست یابی به توسعه انسانی پایدار-یادگیری دانستن، بودن، زندگی جمعی، اقدام کردن و تحول فردی و اجتماعی - را فراهم کند. محور اصلی گفتمان این مجمع «تضمین آموزش با کیفیت فراگیر و عادلانه و ارتقای فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه» است. آموزش در قلب سند ۲۰۳۰ راه‌کاری برای بهبود توسعه پایدار جهانی است. این سند بر سه اصل اساسی تاکید می‌کند: آموزش یک حق بنیادین و کلید توانمندسازی بشری است، آموزش یک کوشش اجتماعی و تکلیف همگانی است، لیکن به‌عنوان یک خدمت عمومی از وظایف دولت‌ها به‌شمار می‌رود، برابری جنسیتی یک مقوله بسیار مهم و جداناپذیر از حق افراد بر آموزش است.

ب) در کنفرانس جهانی آموزش برای توسعه پایدار یونسکو که از ۳۱ مارس تا دوم آوریل ۲۰۰۹ در بُن آلمان برگزار شد، بیانیه و فراخوان به شرح ذیل صادر، که در آن به طور صریح و ضمنی به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و اعضای جامعه مدنی در بحث ترویج، تقویت و توسعه آموزش به منظور توسعه پایدار تاکید کرده است.

«۴ - با توجه به وعده‌های اجلاس‌های ژوهانسبورگ، داکار و جامتین، ما نیاز به یک تعهد مشترک برای آموزش داریم که قادر به توانمندسازی مردم باشد. توانمندسازی مردم برای تغییر، تعهدی همگانی را نسبت به آموزش طلب می‌کند. این آموزش باید قادر به تأمین ارزش‌ها، دانش، مهارت‌ها و توانمندی‌های لازم برای یک زندگی پایدار، مشارکت اجتماعی و به‌دست آوردن شغلی شرافتمندانه باشد. بنابر آنچه که در دستور کار آموزش برای همه آمده است دسترسی به آموزش پایه اساس توسعه پایدار است. به‌علاوه، در این دستور کار بر آموزش‌های پیش‌دبستانی، آموزش روستاییان و سوادآموزی بزرگسالان نیز تأکید شده است. دستیابی به سواد و توان محاسباتی به افزایش کیفیت آموزش کمک کرده و در موفقیت برنامه آموزش برای توسعه پایدار نیز نقشی مهم دارد».

ج) کنفرانس بین‌المللی سمن‌ها در تاریخ ۱۶-۱۸ دسامبر ۲۰۲۰ با موضوع «پیش‌بینی آینده بهتر و پایدار: الگوی جدیدی برای جامعه مدنی» توصیه‌هایی به یونسکو جهت ارتقا آموزش به شرح ذیل بیان کرده است:

۱. ارتقای آموزش بهداشت، دستیابی به فرهنگ ادبی، هنری و علمی و دسترسی به ورزش به‌عنوان

بخشی جدایی‌ناپذیر از حق آموزش برای همه به‌عنوان منابع برای تعادل انسان لازم است. نقش اساسی آموزش غیررسمی و رسمی و یادگیری فناوری اطلاعات را در زمان بحران در نظر بگیرید. ۲. تقویت حق آموزش با کیفیت عادلانه و فراگیر از اوایل کودکی و در طول زندگی، به‌ویژه برای کودکان با نیازهای ویژه و برای دختران و با توجه به تأثیر بحران سلامتی بر کودکی، بر اهمیت آموزش برای سلامت روان و رفاه کودکان و خانواده‌ها تأکید می‌شود. ۳. آموزش برای صلح و عدم خشونت در برنامه‌های درسی مدارس و مبارزه با انواع تبعیض به‌ویژه در کشورهای پس از جنگ اقدامات مشترک بین‌المللی را با سازمان‌های غیردولتی برای نجات آموزش در لبنان بسیج کنید. ۴. تقویت مشارکت بین یونسکو، سازمان‌های غیردولتی و دولت‌ها و همکاری با بخش‌های برنامه یونسکو، دفاتر میدانی، ملی کمیسیون‌ها و مراکز یونسکو و تقویت مشارکت بین سمن‌ها و یونسکو.

د) آموزش برای توسعه پایدار در قرن بیست‌ویکم: آموزش برای توسعه پایدار به جوامع کمک می‌کند راه‌حل‌هایی برای مشکلات متعدد پیدا کنند و اولویت‌های متعددی را برای خود قائل شوند. این نوع آموزش کلیه نظام‌های آموزش رسمی، غیررسمی و کلیه بخش‌های جامعه را در یک فرایند مادام‌العمر یادگیری دخیل می‌کند. آموزش برای توسعه پایدار در حوزه‌های مختلف به اشکال متفاوتی پیشرفت کرده که این پیشرفت نیازمند اتخاذ رویکردهای متفاوت در حوزه‌های مختلف بوده و هست. در سال‌های آتی نیاز به تلاشی ویژه از جانب کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته، جامعه مدنی و سازمان‌های بین‌المللی در موارد زیر به‌شدت احساس می‌شود:

جهت‌دهی مجدد به آموزش و نظام‌های آموزشی با هدف توانمندسازی این دو مورد برای رویارویی با مشکلات مربوط به پایداری از طریق سیاست‌گذاری در سطوح ملی و محلی. توسعه و اجرای سیاست‌های آموزش برای توسعه پایدار از طریق رویکردهای هماهنگ بین بخشی و بین وزارتی که بخش تجاری، جامعه مدنی، جوامع محلی و جامعه علمی را نیز شامل می‌شوند. جهت‌دهی مجدد به برنامه‌های درسی و برنامه‌های آموزش معلمان به‌منظور ادغام آموزش برای توسعه پایدار در برنامه‌های آموزشی قبل و ضمن خدمت. حمایت از مؤسسات آموزش معلمان، اساتید دانشگاه و معلمان در امور شبکه‌سازی، توسعه و فعالیت‌های پژوهشی برای دستیابی به روش‌های صحیح تربیتی. ط) توسعه و گسترش همکاران در حوزه آموزش برای توسعه پایدار به‌منظور ادغام برنامه در امور تربیتی، آموزش‌های حرفه‌ای و یادگیری در محل کار از طریق به‌کار واداشتن جامعه مدنی، بخش‌های خصوصی و عمومی، سازمان‌های غیردولتی و شرکای توسعه. آموزش برای توسعه پایدار باید جزئی مکمل از آموزش‌های رهبران امور تجاری، صنایع، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های غیرانتفاعی و داوطلبانه و مؤسسات ارائه خدمات عمومی باشد. ر) تقویت مشارکت و نقش کلیدی جامعه مدنی در امر گفتگو، مشارکت همگانی و اجرای آموزش برای توسعه پایدار. جستجوی راه‌هایی برای گسترش چنین تعهد و مشارکتی.

در مجموع می‌توان بیان کرد که منابع و هنجارها و اقدامات بین‌المللی در زمینه آموزش وجود دارد. آنچه اهمیت دارد عملی کردن مفاد کنوانسیون‌ها در حقوق داخلی کشورهاست. یکی از مهم‌ترین چالش‌های سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی و اسناد بین‌المللی در زمینه آموزش، توجه آنها به ویژگی‌های فرهنگی شامل: باورها، سنت‌ها، آداب و رسوم محلی و مذهبی است. زمینه‌ها و شرایط حقوقی و وضعیت قوانین، سیاست‌ها و خط مشی‌های کلی نظام جمهوری اسلامی نمی‌تواند الگوی و محتوای آموزشی بین‌المللی را به‌صورت تمام و کمال در آموزش و پرورش به‌کار ببرد.

نتیجه

حق بر آموزش در اسناد راهبردی بین‌المللی و اسناد ملی و داخلی شناسایی شده است. سازمان غیردولتی گروهی از افراد داوطلب است که بدون وابستگی به دولت و به‌صورت غیرانتفاعی و عام‌المنفعه، با تشکیلات سازمان‌یافته برای اهداف و موضوعات متنوع فرهنگی، اجتماعی، خیریه، تخصصی و صنفی فعالیت می‌کنند. با بررسی آیین‌نامه موجود حاکم بر فعالیت سمن‌ها در ایران، با وجود پیشرفت و توسعه در دهه هفتاد شمسی، مشکلات قانونی فراوانی مشاهده می‌شود و در مقایسه با قوانین سایر کشورها، عقب‌ماندگی‌هایی وجود دارد؛ ازجمله: فرایند طولانی و سخت‌گیرانه تأسیس و ثبت؛ نظارت شدید برخی مراجع در بررسی صلاحیت‌ها و اظهارنامه‌ها؛ تداخل قانونی و موازی‌کاری در ثبت سازمان‌های غیردولتی؛ نبود سازوکارهای قوی و مؤثر شفافیت و گزارش‌دهی؛ عدم کارکرد واقعی سمن‌ها به‌عنوان نهادهای مدنی در اقدامات جمعی و تصمیم‌سازی‌ها؛ ضعف ساختاری و حقوقی در مسیر کمک و حمایت سمن‌ها از حقوق بشر و نظارت مؤثر بر دولت؛ عدم امکان فعالیت سازمان‌های غیردولتی خارجی و نبود مکانیزم‌های آسان جهت بهره‌گیری سازمان‌ها از نشریات، رسانه‌ها و تجمعات. چالش مهم و بنیادی دیگر، وجود مقرره‌ای در قالب آیین‌نامه (و نه قانون مصوب مجلس) به‌عنوان مبنای حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد است که همین ماهیت مقرر بود، چالش‌های مختلفی ایجاد کرده است. بنابراین هم‌اکنون مبنای حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد، نه قانون مصوب مجلس، بلکه مقرره‌ای در قالب آیین‌نامه است که پیشنهاد می‌گردد قانونی جامع و متناسب با استانداردهای بین‌المللی و با رعایت وضعیت آموزشی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به همراه آیین‌نامه اجرایی مورد تصویب مجلس و دولت قرار گیرد.

منابع:

الف) فارسی

۱. توحیدی، احمدرضا، (۱۳۸۵)، *تأملی در اصول کلی نظام، حقوق و آزادی‌های مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، قم: معارف.
۲. شعبانی، قاسم، (۱۳۸۶)، *حقوق اساسی و ساختار حکومت اسلامی*، تهران: اطلاعات، چاپ بیست‌وهشتم.

۳. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، (۱۳۷۰)، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، تهران: دانشگاه تهران.
۴. عباسی لاهیجی، بیژن، (۱۳۹۷)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دادگستر.
۵. غمامی، سید محمدمهدی، (۱۳۹۰)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۶. فرامرز قراملکی، احد، (۱۳۸۸)، *اخلاق در سازمان‌های مردم‌نهاد*، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ندای بشر.
۷. قاری سیدفاطمی، سید محمد، (۱۳۸۸)، *حقوق بشر در جهان معاصر*، ج ۲، تهران: شهر دانش.
۸. قاسمی غلامعلی، (۱۳۹۲)، *حقوق سازمان‌های غیردولتی*، تهران: خرسندی.
۹. قاسمی، غلامعلی و محمدصالح تسخیری، (۱۳۹۶)، «شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۹، شماره ۵۵، ص ۲۱۵-۲۴۳.
۱۰. قاضی (شریعت‌پناهی)، سید ابوالفضل، (۱۳۹۵)، *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران: میزان، چاپ پنجاه و سوم.
۱۱. مقیمی، سید محمد، (۱۳۸۷)، *کارآفرینی در نهادهای جامعه مدنی: پژوهشی در سازمان‌های غیردولتی (NGOs) ایران*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۱۲. مهرپور، حسین، (۱۳۹۱)، *مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دادگستر، چاپ سوم.
۱۳. نیاورانی، صابر، (۱۳۹۱)، «حق بر آموزش و مقتضیات آزادی وجدان: نگاهی به نظریه اخلاق در فلسفه کانت»، *مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی*، دوره ۱۵، شماره ۵۸، ص ۲۵-۱.
۱۴. ویژه، محمدرضا، (۱۳۹۸)، *کلیات حقوق اساسی*، تهران: سمت، چاپ ششم.
۱۵. هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۲)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۱، تهران: میزان، چاپ چهارم.
۱۶. هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۴)، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران: میزان.

(ب) انگلیسی

17. www.britannica.com/topic/nongovernmental-organization.
18. en.unesco.org/themes/right-to-education/convention-against-discrimination.
19. United Nations, (1948), Universal Declaration of Human Rights. www.un.org/en/documents/udhr.
20. Kansra, R., Kansra, P.(2014), Awareness of Right to Education among Elementary School Teachers: An Empirical Analysis, *Research Journal of Humanities and Social Sciences*, 5 (3), p.264-269.
21. Attorney Carina Cristaldo, Ricardo Verón Romero, Dr. Cecilia Santos, (2022), "The right to education in the context of confinement in paraguay in the framework of the national constitution", *Journal of Language and Linguistic Studies*, 18(2), p 254-259.
22. Lindahl, R., (2006), "The right to education in a globalized world", *Journal of Studies in International Education*, 10(1), p. 5-26.

